خبرها

دیدار دیپلماتیک جبهه مشارکت و برنامه‌ریزی برای کنگره

خبرنامه مشارکت: پیرو درخواست سفارت آلمان در تهران از جبهه مشارکت، آقای «ماتیاس مه یر» مسئول خاورمیانه وزارت خارجه آلمان چهارشنبه گذشته در محل دفتر مرکزی با «علی مزروعی» عضو شورای مرکزی این حزب ملاقات کرد. در این دیدار، پیرامون مسائل فعالیت‌های حزبی، روند دموکراسی و پرونده هسته‌ای بحث و تبادل نظر شد. این دیدار با هماهنگی و اطلاع وزارت امور خارجه انجام شد. از سوی دیگر، در پی تصویب زمان برگزاری کنگره نهم جبهه مشارکت در روزهای ۱۴ تا ۱۶ تیرماه، کمیته برگزاری این کنگره به ریاست «حسین کاشفی» معاون دبیرکل این حزب تشکیل جلسه داد. در نخستین جلسه این کمیته مقرر شد واحدهای کمیته برگزاری برنامه‌ها و زمان‌بندی اجرایی خود را برای برگزاری هرچه بهتر کنگره نهم تنظیم و به کمیته ارائه کنند. همچنین مقرر شد با هماهنگی کمیته‌های امور مناطق و تشکیلات، شوراهای مناطق و کمیته‌ها و شاخه‌های مرکزی روند تعیین اعضای کنگره را آغاز نمایند و هرچه سریع‌تر اسامی اعضای کنگره نهم را جهت صدور اعتبارنامه به کمیته برگزاری ارائه دهند.

بیانیه هسته‌ای دفتر تحکیم

ایسنا: شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در بیانیه‌ای مواضع این اتحادیه را در مورد بحران هسته‌ای ایران تشریح کرد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «اگرچه بهره‌گیری صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای در فرآیند پیشرفت و توسعه ملی حق مسلم و چشم ناپوشیدنی ملت ایران می‌باشد ولی بهره‌برداری از فناوری هسته‌ای نیازمند مساعد بودن شرایط داخلی و خارجی، تناسب با منافع ملی و ارزیابی اقتصادی است.» در این بیانیه همچنین با ابراز نارضایتی از مذاکره با سه کشور مهم اروپایی، روسیه و چین می‌افزاید: در حالی که مبالغ فراوانی برای غنی‌سازی اورانیوم هزینه شده است، مجدداً باید بهای غنی‌سازی اورانیوم در روسیه را پرداخت؛ هزینه انتقال رفت و برگشت مواد و مخاطرات ایمنی آن را متحمل شد تا بدین ترتیب سوخت هسته‌ای با هزینه‌ای گزاف به نیروگاه تزریق شود.»دفتر تحکیم وحدت همچنین با تاکید بر ضرورت شفاف‌سازی فعالیت‌های هسته‌ای در سطح ملی و بین‌المللی و اهمیت حفظ امکانات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در زمینه فناوری هسته‌ای به مثابه بخشی از ثروت ملی برای استفاده صلح‌آمیز در آینده، خواستار اعتمادسازی در جامعه جهانی و جلب نظر نهادهای بین‌المللی مسئول و امکان فعالیت موثر برنامه‌های هسته‌ای در چارچوب منافع ملی شده است.

سمینار منافع ملی امروز در دانشگاه تهران

شرق: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران سمینار یک‌روزه «نگاهی اجتماعی - سیاسی به منافع ملی» را برگزار می‌کند. در این سمینار یک‌روزه «غلامعباس توسلی»، «تقی آزاد ارمکی»، «داود هرمیداس باوند»، «مجتبی بیات»، «یوسف مولایی» و «عباس عبدی» سخنرانی خواهند کرد. این سمینار امروز از ساعت ۱۲ و ۴۵ دقیقه در تالار ابن‌خلدون دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران آغاز می‌شود.

اعتراض در دانشکده هنرهای زیبا

ایسنا: تعدادی از اعضای سابق انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده‌های هنرهای زیبا در اعتراض به انتخابات انجمن اسلامی این دانشکده که چندی پیش برگزار شد، مقابل این دانشکده تجمع کردند. تجمع‌کنندگان با برگه‌های «آری» و «نه» همه‌پرسی‌ای را در خصوص انتخابات آزاد (همه دانشجویان در آن حق رای دارند) و یا بسته (فقط اعضای شورای عمومی حق رای دارند) برگزار کردند که نتیجه آن ۱۱۲ رای «آری» و ۵ رای «نه» بود. تجمع‌کنندگان سرود یار دبستانی و ای ایران را سر دادند.

مجمع روحانیون با جامعه روحانیت لیست نمی‌دهد

ایسنا: «سیدعبدالواحد موسوی لاری» عضو ارشد مجمع روحانیون مبارز درباره احتمال ارائه فهرست مشترک جامعه روحانیت مبارز با مجمع روحانیون مبارز در انتخابات خبرگان که پیش از این از سوی برخی مطرح شده بود، گفت: «تاکنون بحثی در این زمینه بین اعضای مجمع روحانیون صورت نگرفته است.» وی افزود: «این احتمال وجود دارد که در آینده بحث‌ها، گفت‌وگوها و یا نشست‌هایی بین این دو جریان وجود داشته باشد، اما اینکه در مصادیق و در ارائه فهرست مشترک این دو حزب بتوانند با هم همکاری کنند، بعید به نظر می‌رسد.»

طرح: جمال رحمتی/ شرق

نگاهی به مذاکره و مفاهمه سیاستمداران مشارکتی با اصولگرایان

چرخش به راست

رضا خجسته رحیمی

در روزهای گذشته دو گروه سیاسی در ایران که زمانی دو جبهه متقابل را در فضای سیاسی کشور صورت‌بندی می‌کردند به پای میز مذاکره نشستند و از ضرورت مفاهمه و نزدیکی با یکدیگر برای تقویت «منافع ملی» سخن گفتند. سیاستمداران مشارکتی به دیدار حزب موتلفه رفتند و علاوه بر آن دیداری را نیز با علی‌اکبر ناطق نوری سامان دادند. این در حالی است که اخبار و گزارش‌ها از درخواست جبهه مشارکت برای دیدار با چهره‌های مطرح دیگری از اصولگرایان در ساختار قدرت نیز حکایت می‌کند. اگرچه گفت‌وگو سنتی پسندیده است و به استقبال آن باید رفت اما به هر حال یک حزب سیاسی تنها بنا بر یک شرایط مشخص و مبتنی بر یک توضیح منطقی است که چنین گفت‌وگوهایی را سامان می‌دهد. همچنان که در سالیان گذشته نیز دیدیم که اصلاح‌طلبان مشارکتی برای نشستن به پای میز مذاکره با لایه‌هایی از جریان ملی ـ مذهبی چه فرآیند طولانی‌ای را طی کردند تا بلکه باب بسته ارتباط را بگشایند و این اتفاق یک شبه حادث نشد. حال باید از سیاستمداران مشارکتی پرسید که مذاکره و مفاهمه با اصولگرایان و جناح مقابل با اصلاحات را در چه چارچوب و جغرافیایی صورت داده‌اند و چه شرایطی آنها را به چنین گفت‌وگوهایی ترغیب کرده است؟ همچنین این گفت‌وگوها در شرایط فعلی چه نتیجه‌ای خواهد داشت و براساس چه تفاوتی میان اکنون و گذشته، گفت‌وگو در زمان فعلی به امری ضروری تبدیل شده است؟ اگر چه مدتی بود که سعید حجاریان عضو بلندپایه جبهه مشارکت از ضرورت تشکیل جبهه‌ای از مشارکت تا موتلفه سخن می‌گفت اما این طرح پیشنهادی او آنچنان دور از ذهن و غیرواقع‌بینانه بود که به یک تعارف سیاسی شبیه باشد. حال اما پس از دیدار مشارکت با حزب موتلفه و علی‌اکبر ناطق‌نوری و درخواست ملاقات با اصولگرایانی همچون علی لاریجانی پرسش‌هایی را با سیاستمداران مشارکتی در میان باید گذاشت؛ چراکه آن طرح پیشنهادی گویا دیگر صرفاً یک تعارف سیاسی نیست و صورتی عملیاتی پیدا کرده است.

■■■

نه سال به عقب بازگردیم آن گاهی که سیدمحمد خاتمی و علی‌اکبر ناطق‌نوری رقابتی انتخاباتی با یکدیگر را تجربه کردند و آنچنان که به یاد داریم بازی‌ای دو قطبی را سامان دادند. با شکست ناطق‌نوری در آن انتخابات ـ آنچنان که گفته شد- اصلاحات پیروز شد. جبهه‌ای به‌نام جبهه دوم خرداد، مولود آن انتخابات بود. جبهه‌ای که چپ‌های مذهبی با تشکیل آن، مدعی متشکل شدن در برابر جریان مخالف اصلاحات در ایران بودند. بدین‌ترتیب گروه‌هایی که در راس آنها حزب موتلفه قرار داشت، مخالفان اصلاحات معرفی شدند و حتی آن‌گاهی که بحث از ناکامی اصلاح‌طلبان به میان می‌آمد، مقصر مشخص بود: اقتدارگرایان یا همان محافظه‌کاران که هر نه روز آتش یک بحران را در برابر دولت روشن می‌کردند. محافظه‌کاران آنقدر بدنام بودند که هر از چندی وقتی نوبت به حذف یک نیروی سیاسی می‌رسید، او را به آن اردوگاه مقابل یعنی جبهه محافظه‌کاران بفرستند و از عدم ارتباط جبهه دوم خرداد با آن چهره سیاسی سخن بگویند. به یاد داریم که زمانی برخی تحلیلگران اصلاح‌طلب و مشارکتی، حتی از احتمال دو پاره شدن حزبی همچون کارگزاران سازندگی سخن گفتند و خبر دادند که در آینده‌ای نه‌چندان دور، بخشی از تکنوکرات‌های کارگزاران به جبهه رقیب خواهند پیوست و بخشی از آنها نیز در جبهه اصلاحات باقی خواهند ماند. این تحلیل‌های غیرواقع‌بینانه، آن‌گاهی مطرح شدند که اصلاح‌طلبان دوم‌خردادی و در راس آنها جبهه مشارکت، حاضر نشدند تا نام هاشمی‌رفسنجانی را در فهرست کاندیداهایشان در انتخابات مجلس ششم قرار دهند و در انتقاد از او و انتسابش به جبهه مخالفان اصلاحات، درنگی را نیز روا نداشتند. جالب‌تر آنکه گاهی منتقدان رادیکال این سیاستمداران نیز به ارتباط با اقتدارگرایان متهم شدند: «رادیکال‌ها و اقتدارگرایان دو لبه یک قیچی هستند و در هدف با یکدیگر اشتراک دارند و دانسته یا نادانسته در خدمت اقتدارگرایان هستند.»، «به اصلاح‌طلبان که می‌رسند تیغ نقدشان تیز است و به راست‌ها که می‌رسند به‌طرز معجزه‌آسایی قلمشان نرم و بی‌تحلیل است.» تحلیل‌ها درباره منتقدان گاه و بی‌گاه چنان بود که گویی حتی مواجبی نیز در جیب منتقدان جای گرفته است که انتقاد از اصلاح‌طلبان همان تخریب بود و تخریب نیز سر و کاری با مواجب داشت. اصلاح‌طلبان مشارکتی در این سال‌ها با استناد به‌وجود دشمنی مشترک، از تحول‌خواهان ایرانی می‌خواستند که اختلافات را به کناری بگذارند و در تقابل با آن دشمن مشترک، ریسمان وحدت را نگسلند. حال باید از سیاستمداران مشارکتی پرسید که نه ماه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و اخراج آنها از حاکمیت، آیا تغییری در ساختار جبهه دوم خرداد و جبهه مقابل با آن رخ داده است که راهکار گفت‌وگو و مفاهمه با حزبی همچون موتلفه و چهره‌های نزدیک به آنها را در دستور کار خود قرار می‌دهند؟ آیا نتیجه این گفت‌وگوها، پیوستن یا نزدیکی موتلفه به جبهه دوم خرداد خواهد بود یا خروج جبهه مشارکت از جبهه تحول‌خواهی و همگرایی آن به سوی موتلفه؟ سیاستمداران مشارکتی نمی‌توانند و نباید بدون ارائه پاسخی مشخص به این پرسش‌ها، یک‌شبه و یک‌روزه تصمیمی خلاف رسم گذشته بگیرند و بر این مسیر، بی‌هیچ توضیحی پای بگذارند. چراکه سیاست اگرچه نسبتی با پراگماتیسم دارد اما آنچنان نیست که یک حزب سیاسی بر اساس تشخیص‌های یک‌شبه خود بتواند تغییری ماهوی در رفتار سیاسی خود به نمایش بگذارد و ارائه هیچ توضیحی را نیز در این خصوص بر خود واجب نداند. سیاستمداران مشارکتی باید بیندیشند که آیا کارکرد جبهه دوم خرداد دیگر پایان یافته است و تشکیل جبهه‌ای در برابر اقتدارگرایان بی‌معنی است و بدین‌ترتیب گفت‌وگو با جریان مقابل را آغاز باید کرد؟ یا اینکه حزب موتلفه از جبهه مقابل خارج و به جبهه دوست نزدیک شده است و این گفت‌وگو مترادف با خوشامدگویی سیاسی به آنها است؟ پاسخی برای این پرسش‌ها باید یافت.

■■■

چه بسا سیاستمداران مشارکتی در پاسخ به این تردیدها، این گفت‌وگوها را گفت‌وگوهایی عادی میان دو حزب سیاسی توصیف کنند. اما در برابر این تحلیل باید از آنها پرسید که چرا گفت‌وگو با حزبی همچون موتلفه که از نظر سیاستمداران مشارکتی حزبی فراگیر نیز هست، تنها پس از اخراج کامل اصلاح‌طلبان از عرصه قدرت و از اسب افتادن آنها صورت می‌گیرد؟ چرا در ۸ سالی که اصلاح‌طلبان بر اسب قدرت سوار بودند و در دوران طلایی اصلاحات، خبری از چنین جلسات و مذاکراتی نبود؟ چرا این گفت‌وگوها و نشست‌ها که به فرض هیچ هدف خاصی را هم دنبال نمی‌کند، تبدیل به اصلی‌ترین اقدام سیاستمداران مشارکتی در هفته‌ها و ماه‌های «پس از انتخابات» می‌شود و در صدر مهمترین اقدامات این حزب سیاسی پس از انتخابات قرار می‌گیرد؟

اما چه بسا سیاستمداران مشارکتی این گفت‌وگوها را در شرایط کنونی و برای حفظ «منافع ملی» ضروری بدانند و هدف از انجام آنها را نیز ائتلاف بر سر «منافع ملی» اعلام کنند. ولی آیا چنین سخن و ادعایی نیز با تردیدها و پرسش‌هایی روبه‌رو نیست؟ اصلاح‌طلبان مشارکتی، آن‌گاهی که اصلاحات با انسداد در مسیر خود مواجه شد و در حالی‌که برخی تحلیلگران و بخش‌هایی از ایرانیان تحول‌خواه، این ناکامی و انسداد را برآمده از نوع سیاست‌ورزی این سیاستمداران می‌دانستند و اصلاح‌طلبان را در پیدایش این انسداد مقصر می‌خواندند، تقصیرها را به رقیب خود و جریانی که اقتدارگرایش می‌خواندند، نسبت می‌دادند و مقابله آنها با اصلاحات را اقدامی در جهت مقابله با منافع ملی می‌دانستند. حال باید توضیح داده شود که اگر جریان مقابل اصلاحات به زعم سیاستمداران مشارکتی جریانی بی‌اعتقاد به منافع ملی است، جبهه مشارکت در چارچوب چه مختصاتی به گفت‌وگو با آنها بر سر منافع ملی نشسته و سخن از ائتلاف میان احزاب برای منافع ملی به میان آورده است؟ اگر حتی گفت‌وگو با اصولگرایان ایرانی برای حفظ منافع ملی اقدامی ضروری قلمداد شود، آیا منافع ملی مفهومی به جز رفاه مردم و منافع عامه دارد و در این صورت آیا در ۸ سال گذشته هیچ‌گاه منافع عامه و رفاه مردم آنچنان مورد خدشه قرار نگرفته بود که گفت‌وگو با اصولگرایان در دستور کار قرار گیرد؟ جبهه مشارکت پس از طرح این مدعا که گفت‌وگو با اصولگرایان را برای حفظ منافع ملی ضروری دانسته، باید توضیح دهد که آیا توقیف مطبوعات، بازداشت چهره‌های سالخورده‌ای همچون احمد صدر حاج سیدجوادی و طاهر احمدزاده و بسیاری بحران‌های دیگر در سال‌های گذشته تهدیدی برای منافع عامه و ملی نبوده‌اند؟ و اگر بوده‌اند چرا حفظ آن منافع، گفت‌وگو با احزاب رقیب را ضروری نمی‌کرده است؟ علاوه بر این وقتی رابطه میان احزابی همچون همبستگی، کارگزاران و جبهه مشارکت از هم گسسته است و هیچ چشم‌انداز روشنی برای پایان این گسستگی وجود ندارد، آغاز گفت‌وگو با اصولگرایان چه هدفی را نشانه گرفته است؟

■■■

با این توضیحات دلیل اصلی در جدیت جبهه مشارکت برای انجام چنین دیدارها و گفت‌وگوهایی را چه باید دانست؟ اصلاح‌طلبان مشارکتی ۹ ماه پس از انتخابات ریاست‌جمهوری و در حالی که جایگاه خود در حاکمیت را به هر دلیلی از دست داده‌اند، تنها یک فعالیت سیاسی را به نمایش گذاشته‌اند و آن دیدار با سیاستمداران اصولگرا بوده است. به عنوان دلیلی در پیدایش این رویکرد، فرضیه‌ای را می‌توان مطرح کرد. در ادامه با طرح این فرضیه، به نقد گفت‌وگو با اصولگرایان در مقام یک تاکتیک سیاسی که مبتنی برچنان فرضیه‌ای باشد، می‌پردازیم. فرضیه و مدعای احتمالی در شکل‌گیری این گفت‌وگو چنین است: اصلاح‌طلبان مشارکتی با پایان دوران ۸ ساله حضورشان در قدرت و در حالی که از قدرت بیرون مانده‌اند، در این اندیشه‌اند که با انجام چنین گفت‌وگوهایی خود را خودی نظام مستقر معرفی کنند و به اصولگرایان بفهمانند که بنابر تحلیل نهایی، با آنها در زیر یک چتر و در یک اردوگاه به سر می‌برند. به گمان این سیاستمداران نتیجه چنین گفت‌وگوهایی با این فرض که به ثمر بنشیند، اثبات خودی بودن آنها به جریان مقابل است و در این صورت چه بسا که سیاستمداران مستقر در این حزب در انتخاباتی دیگر با مشکل ردصلاحیت مواجه نشوند و حضور در قدرت از آنها دریغ نشود. همچنین مبتنی بر چنین فرضیه‌ای این گفت‌وگوها می‌توانند راهکاری برای کاهش فشارهای حکومتی بر این حزب سیاسی نیز باشد. اما آیا این فرضیه به فرض صحت، راهگشای این سیاستمداران برای بازگشت به عرصه حکومتداری و یاری‌رسان آنها در سوار شدن بر اسب قدرت خواهد بود؟آنچنان که می‌دانیم انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته، اگرچه با تائید صلاحیت کاندیدای جبهه مشارکت همراه بود اما کاندیدای این حزب در این انتخابات با اقبالی مردمی و عمومی همراه نبود و آرای ایرانیان تحول‌خواه را در حمایت از خود مهیا ندید. اصلاح‌طلبان مشارکتی بارها این نکته را مطرح کرده‌اند که ما به تئوری «احزاب دو پا» اعتقاد داریم و می‌گویند که بر این مبنا قصد آن داریم که یک پا در حاکمیت و پایی دیگر در میان اجتماع داشته باشیم. واقعیت اما آن بود که در سال‌های گذشته این سیاستمداران در پیچ‌های بحران‌زا و شرایط بحرانی، پای خود از میان اجتماع را برمی‌چیدند تا روی دوپای خود در میان حاکمیت ایستاده باشند. همچنان که در هنگام رقابت‌های انتخاباتی پای خود از درون حاکمیت را برمی‌چیدند تا بتوانند متکی بر دوپای خود در میان اجتماع بایستند و رایی مردمی را نصیب خود سازند. اینچنین بود که وقتی خروج از حاکمیت صورت نگرفت، اخراج از حاکمیت پدیدار شد. اما به فرض آنکه پایبندی به تئوری «احزاب دوپا» را از سوی جبهه مشارکت بپذیریم، آنها در شرایطی که پایی در حاکمیت ندارند و پایشان در اجتماع نیز لنگان است، چه باید بکنند؟آیا دیدار با سیاستمداران اصولگرا به محکم شدن پای آنها در حاکمیت منجر خواهد شد و بدین ترتیب اصلاح‌طلبان مشارکتی در بازگشت به قدرت، مسیر مناسبی را پیش روی خود قرار داده‌اند؟ بی‌شک این سیاستمداران در بازگشت به قدرت، در صورت تائید صلاحیت توسط حاکمیت با مسئله‌ای به نام تائید صلاحیت توسط ایرانیان تحول‌خواه روبه‌رو خواهند بود و گفت‌وگو برای حل کردن ۵۰ درصد از ماجرا بدون در نظر گرفتن نیمه دیگر داستان، امری بی‌نتیجه است و بازگشت به قدرت را سامان نخواهد داد. آنگاهی که بسیاری از ایرانیان تحول‌خواه رای خود را به حساب این سیاستمداران اصلاح‌طلب نگذاشتند و قهری سیاسی را سامان دادند، گمانه‌ها بر آن بود که در نتیجه چنین اتفاقی، این سیاستمداران اهمیت بیشتری برای رای مردم قائل خواهند شد و از این پس اعتماد مردمی را ارزان نخواهند فروخت. دوری گزیدگان از این سیاستمداران بر این گمان بودند که سیاستمداران مشارکتی با خارج شدن از قدرت، بازگشتی به اجتماع را تجربه خواهند کرد تا صداقت اصلاحی خود را نیز به نمایش گذاشته باشند. بدین ترتیب قابل تصور بود که در صورت پیدایش چنین رویکرد و نتیجه‌بخش بودن آن، بازگشت این اصلاح‌طلبان به قدرت تسهیل و میسر شود. حال اما دیدار با اصولگرایان و لایه‌های موثر آنها در حاکمیت، در حالی که اصلاح‌طلبان مشارکتی هیچ کوششی را برای ارتباط مجدد با بدنه اجتماعی و ایرانیان تحول‌خواه از خود بروز نداده‌اند، چه ماحصلی خواهد داشت و چه عایدی را به حساب سیاسی آنها واریز خواهد کرد. «گردش به راست» اگر مقبول راست‌نشینان نیز بیفتد، نتیجه آن از دست رفتن بخشی دیگر از لایه‌های اجتماعی است که احساس می‌کنند حزبی چون مشارکت به گفت‌وگو با راست‌نشینان رغبت بیشتری دارد تا گفت‌وگو و همنشینی با آنها. بدین‌ترتیب «گردش به راست» در صورت تحقق چه بسا نتیجه مناسبی نیز نداشته باشد و کار را برای این سیاستمداران سخت‌تر از پیش بنماید. بگذریم از اینکه «گردش به راست» پسندیده حزبی همچون جبهه مشارکت که مولود جریان اصلاحات در ایران است و بنای خود را بر شعارهای زیربنایی این جنبش استوار ساخته است نیز نیست. جالب آنجا است که این گفت‌وگوها در حالی صورت می‌گیرد که اصلاح‌طلبان مشارکتی از سال‌های گذشته و حتی هم‌اکنون گفت‌وگو با برخی جریانات و گروه‌های تحول‌خواه در ایران را خارج از تقیدات خود می‌دانند و از گفت‌وگو و مفاهمه با آنها پرهیز می‌کنند. در چنین چارچوبی از اصلاح‌طلبان مشارکتی باید خواست که در صورت اعتقاد به خودی و غیرخودی، چارچوب این اعتقاد خود را اعلام کنند. آیا کانون نویسندگان ایران جریانی غیرخودی قلمداد می‌شود و حزب موتلفه در میان احزاب خودی قرار دارد؟

■■■

برخی اصلاح‌طلبان مشارکتی همچون مصطفی تاج‌زاده در ماه‌های گذشته از ضرورتی به نام «پایبندی به برنامه اصلاحات» در میان اصلاح‌طلبان ایرانی سخن گفته‌اند. آنها بر این مبنا معتقدند که گروه‌های اصلاح‌طلب مبتنی بر یک مبنا و چارچوب مشخص باید گردهم آیند و در میانه راه هیچ گروهی حق خروج از چارچوب‌های این تفاهم‌نامه را ندارد و بدین‌ترتیب اگر ایرانیان تحول‌خواه در یک چارچوب مشخص با سیاست‌های جبهه مشارکت و برنامه اصلاحات اعلام بیعت می‌کنند نباید در موقعیتی همچون انتخابات ریاست‌جمهوری، راه خود را از آنها جدا کنند. اما از این سیاستمداران باید پرسید که مفاهمه و هم‌اندیشی با حزب موتلفه در کجای این پروتکل و برنامه از پیش معین شده جای می‌گیرد؟ از حزب موتلفه بگذریم و به فرض که گفت‌وگو با احزاب امری لازم و ضروری باشد، اما گفت‌وگو با علی‌اکبر ناطق‌نوری در کجای برنامه اصلاحات پیش‌بینی شده بود؟ اصلاح‌طلبان مشارکتی اگر اکنون به این پرسش‌ها پاسخی ندهند، چندی دیگر و در آستانه انتخاباتی دیگر با چنین پرسش‌هایی مواجه خواهند شد و چه‌بسا در هنگامه انتخابات، گوش‌ها نیز بر شنیدن توجیهات بسته باشد. این سیاستمداران حتی اگر در اندیشه بازگشت به قدرت هستند و در تمنای روزهای از دست رفته، به دنبال راهکاری برای تغییر در اوضاع و احوال خود هستند، گردش به راست گرهی از دستان فروبسته‌شان نخواهد گشود. بی‌شک این سئوال را نمی‌توان از میانه ذهن زدود که تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر چه نسبتی با تشکیل جبهه‌ای با حضور موتلفه دارد؟

■■■

برخی تحلیلگران اما بر این اعتقادند که «گردش به راست» جبهه مشارکت نتیجه منطقی تحریم انتخابات و خارج کردن این سیاستمداران از قدرت است. آنها می‌گویند که خروج اصلاح‌طلبان از قدرت، نه به بازگشت آنها به عرصه اجتماع که به تمایل آنها به سوی راست منجر می‌شد و با علم به این واقعیت نباید قهری سیاسی سامان داده و خروج این سیاستمداران از قدرت حاصل می‌شد. این منتقدین همچنین می‌گویند که اصلاح‌طلبان تنها با حضور در قدرت مواهبی برای تحول‌خواهی در ایران داشتند و خروج آنها از قدرت پایانی بر این مواهب بود. اما آیا چنین تحلیلی می‌تواند ما را متقاعد سازد که بگوییم مردم در عدم همراهی‌شان با اصلاح‌طلبان مشارکتی و رای منفی خود به آنها اشتباه کرده‌اند؟ آیا اکنون کسانی که رای خود را از حساب این سیاستمداران خارج کرده‌اند، باید پاسخگوی «گردش به راست» این سیاستمداران باشند؟ در صورت پذیرش فرض اولیه این ماجرا و این مسئله که گردش به راست، نتیجه عدم حمایت از این سیاستمداران و خروج اجباری آنها از حاکمیت بوده است، باید به این پرسش نیز پاسخ داد که: «در این صورت آیا رفتار این سیاستمداران را می‌توان بر مبنای صداقتی اصلاحی و اخلاقی سیاسی شناسایی کرد.»در صورت پذیرش پیش‌فرض اولیه این تحلیل، باید به عدم صداقت اصلاحی این سیاستمداران نیز اعتراف کرد و در این صورت دیگر دو قطبی اصلاح طلب و اقتدارگرا، چه معنایی خواهد داشت؟ همچنین اصلاح‌طلبان در دوران حضورشان در قدرت نیز مواهب زیادی را نصیب عامه مردم و تحول‌خواهان ایرانی نکردند و بدین ترتیب اینگونه نیست که گمان کنیم با «گردش به راست» جبهه مشارکت، همگان سر در گریبان فرو خواهند برد و «قصه غصه» خواهند خواند. واقعیت آن است که در این میانه، متضرر نه ایرانیان تحول‌خواه بلکه سیاستمدارانی هستند که از اینجا مانده و از آنجا رانده، کار را برای بازگشت خود به قدرت سخت‌تر می‌کنند. بازی برای ایرانیان تحول‌خواه بر مدار سابق می‌چرخد اما سیاستمداران مشارکتی اگر بر این گمانند که با «گردش به راست» باب ورود به قدرت بر روی آنها گشوده خواهد شد، چه بسا که «نقشی بر آب» می‌زنند. اگر قرار باشد که سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان مشارکتی در فضای پس از نهمین انتخابات ریاست جمهوری چنین رقم بخورد، تامل در پیشنهاد عباس عبدی قابل توصیه‌تر خواهد بود، وقتی که او این سیاستمداران را برای «رفتن به مسافرت» ترغیب می‌کند.

خلاصه مقاله

بازی برای ایرانیان تحول‌خواه بر مدار سابق می‌چرخد اما سیاستمداران مشارکتی اگر بر این گمانند که با «گردش به راست» باب ورود به قدرت بر روی آنها گشوده خواهد شد، چه بسا که «نقشی بر آب» می‌زنند. اگر قرار باشد که سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان مشارکتی در فضای پس از نهمین انتخابات ریاست جمهوری چنین رقم بخورد، تامل در پیشنهاد عباس عبدی قابل توصیه‌تر خواهد بود، وقتی که او این سیاستمداران را برای «رفتن به مسافرت» ترغیب می‌کند.

گفت‌وگو: آیین سیاست‌ورزی

دفاع ارگان جبهه مشارکت از دیدار با موتلفه

گروه سیاسی: خبرنامه داخلی جبهه مشارکت در سرمقاله شماره اخیر خود از گفت‌وگوی سران این حزب با همتایانشان در موتلفه اسلامی دفاع کرد. متن این سرمقاله بدین شرح است: دیدار هفته گذشته مسئولان جبهه مشارکت و حزب موتلفه رخدادی بدیع در عرصه سیاسی ایران قلمداد می‌شود. در فضای سیاه و سفید سیاست در ایران که حتی به‌رغم هشت سال فراگیر شدن گفتمان و ادبیات اصلاح طلبی در جامعه، گفت‌وگو به عنوان رکن اصلی اصلاح طلبی و سیاست‌ورزی در جامعه هنوز از سوی جریان‌های موجود و موثر چندان به رسمیت شناخته نشده است، ابتکار جبهه مشارکت در گشودن باب گفت‌وگو با یکی از باسابقه‌ترین تشکل‌های سیاسی تاثیرگذار در جناح رقیب تلاشی جدید برای تغییر نرم‌های جامعه سیاسی ایران به سمت فضایی است که عناصر سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه از جمله «گفت‌وگو»، «تعامل» و «تفاهم» در جایگاه خود قرار گیرد. اگرچه در سابقه حزب تلاش‌هایی از این نوع در حد و اندازه‌های متفاوت به چشم می‌خورد ـ از جمله مجموعه کنش‌های فراکسیون حزب در مجلس ششم و تعاملات آن با فراکسیون اقلیت در آن مجلس- اما در شرایطی که حزب از قدرت فاصله گرفته است و به تثبیت نقش اجتماعی سیاسی همت بیشتری معطوف داشته طبیعتاً این نوع تحرکات حزب بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد و به همین اندازه نیز می‌تواند در شکستن تابوهای غلط عرصه سیاسی ایران موثر باشد. اگرچه موضوع این گفت‌وگو ها (با شخصیت‌های سیاسی از گرایش‌های مختلف و احزابی چون موتلفه) در شرایط حساس کنونی کشور به‌خودی خود دارای چنان اهمیتی هست که جریانات مختلف را برای رسیدن به نقاط مشترک و تفاهم روبه‌روی هم بنشاند اما عینیت یافتن این مهم نیازمند درک صحیح از واقعیت‌های موجود در جامعه سیاسی ایران و شناخت نقاط ضعف و قوت و همچنین عزم جدی برای شکستن تابوهای غلط موجود در آن است. هیچ‌کس توقع ندارد که احزاب رقیبی چون موتلفه و مشارکت با یک یا چند نشست بتوانند اختلاف نظر های عمیق خود را مرتفع گردانند و به نقاط تفاهم و مشترکات روشنی دست یابند اما نفس اینکه دو حزب گسترده و تاثیرگذار از دو جناح رقیب روبه‌روی هم با گاردی باز نشسته و بر سر حساس‌ترین موضوعات مورد اختلاف با یکدیگر تبادل نظر می‌کنند گویای این امر است که چندصدایی، تفاوت نظر در عین حال دغدغه مشترک برای منافع و امنیت ملی داشتن حداقل در میان این دو حزب به رسمیت شناخته شده است. بازتاب‌های خبر این دیدار و واکنش‌های گسترده‌ای که صاحب‌نظران سیاسی با گرایش‌های مختلف نسبت به آن نشان دادند و عموماً این اتفاق را اتفاقی نو و فرخنده برشمردند و از آن استقبال کردند شاهد آن است که عرصه سیاسی ایران آماده تغییر هنجارهای ناپسند گذشته است و تکرار هدفمند این نوع رایزنی‌ها و مذاکرات و گفت‌وگوها از سوی جریان‌های مختلف به نهادینه شدن آن منجر خواهد شد. به هر حال داعیه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه بدون دست یازیدن به عناصر اصلی آن از جمله گفت‌وگو با مخالفان و منتقدان، فرصت‌سازی برای تفاهم، زمینه‌چینی برای شکل دادن ائتلاف‌های سیاسی نو با اهداف متفاوت که در همه آنها اصل بر سیالیت عرصه سیاسی و نه صلب و لایتغیر بودن آن است، ادعای درستی نیست و تنها با عمل هدفمند به این اصول است که می‌توان از سیاست‌ورزی دم زد.

نگاه

مشارکت در حال تبدیل شدن به یک حزب مدرن

سینا مالکی

دیدار این هفته سران جبهه مشارکت با سران هیات موتلفه اسلامی تیتر دوشنبه روزنامه شرق را به خود اختصاص داد، اما مسئله این رویداد مهم در سایه دستیابی ایران به غنی‌سازی ۳/۵ درصد به فراموشی سپرده شد. جبهه مشارکت ایران اسلامی حزبی که پایه‌هایش در سال ۷۷ گذاشته شد، از آغاز کار بیشتر در چارچوب‌ها و اندازه‌های یک جبهه بود تا یک حزب به مفهوم واقعی. نیروهای آن را بیشتر دانشجویان پیرو خط امامی تشکیل می‌داد که در سال‌های دهه ۷۰ و در پی درگذشت امام خمینی رهبر انقلاب از قدرت سیاسی دور مانده بودند. سعید حجاریان که در چهار سال نخست دوران خاتمی از او به عنوان تئوریسین اصلاحات نام برده می‌شد از عناصر اصلی و محوری این حزب محسوب می‌شود. جبهه مشارکت که اکثریت قاطع مجلس ششم را به همراه داشت در اعتقاد به نوعی لیبرالیسم از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی دیگر گروه محوری دوران اصلاحات متمایز می‌شود. شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات‌های شوراهای دوم، مجلس هفتم و در نهایت ریاست‌جمهوری نهم به پای این حزب نوشته شد و این در حالی بود که رهبران این حزب از منتقدان دوران دوم ریاست‌جمهوری خاتمی محسوب می‌شدند تا جایی که عباس عبدی از عناصر محوری آن روزهای مشارکت اولین کسی بود که تئوری «عبور از خاتمی» را مطرح ساخت. پس از شکست اصلاح‌طلبان در انتخابات ریاست‌جمهوری این حزب به بازسازی گسترده‌ای دست زد. فعال کردن شاخه‌های روستایی، فعال‌تر کردن شاخه‌های دانشجویی و عضوگیری گسترده آن از مهمترین کارهای این حزب به شمار می‌رود. پیگیری تشکیل جبهه دموکراسی و حقوق بشر، ایده‌ای که توسط مصطفی معین کاندیدای این حزب در انتخابات مطرح شد، از دیگر کارهای مهم این گروه است که بیشتر در پشت پرده به آن پرداخته شده است اما احتمال می‌رود منشور نهایی آن در اردیبهشت‌ماه ارائه شود که در صورت فراگیری می‌تواند نقطه عطفی در تاریخ اصلاحات دموکراتیک ایران باشد. از آن طرف، موتلفه اسلامی یک حزب یا به بیان بهتر گروه ریشه‌دار مذهبی است که تاسیس آن به سال‌ها پیش از انقلاب بازمی‌گردد و بزرگترین گروه راست‌گرا در ایران به شمار می‌رود. این گروه که رهبران آن از جامعه بازاری مذهبی ایران هستند به همراه کارگزاران سازندگی، تکنوکرات‌های طرفدار سرمایه‌داری لیبرال، از پشتوانه‌های اکبر هاشمی رفسنجانی از قدیمی‌ترین سیاستمداران ایران و بنیانگذاران اصلی جمهوری اسلامی به حساب می‌آیند. از چندی پیش جبهه مشارکت دیدارهایی با احزاب مختلف و موثر و همین طور شخصیت‌های مطرح صحنه سیاست ایران داشته است که آخرین آن روز یکشنبه هفته پیش با هیات موتلفه اسلامی برگزار شد. چنین دیدارهای شفاف و علنی که در تمام جوامع دموکراتیک دنیا مرسوم است، از این حیث اهمیت دارد که برای اولین بار در ایران شاهد اینگونه عملی از جانب احزاب هستیم. اهمیت دیگر مسئله در آن است که هر دو گروه به نوعی اپوزیسیون دولت در دست آبادگران به شمار می‌روند و تشکیل کمیته‌های مشترک کاری میان آنها می‌تواند به تشکیل ائتلاف بزرگی در آستانه انتخابات شوراها و خبرگان بدل شود. ائتلافی که بی‌شباهت به ائتلاف چپ‌های میانه‌رو ایتالیا در انتخابات اخیر نیست. تجربه انتخابات ایتالیا در شکست نیروهای راست افراطی در برابر ترقی‌خواهان میانه‌رو نشان از امکان و ضرورت تشکیل چنین مجموعه‌هایی در ایران دارد. از آغاز سال ۸۱ گفتمانی مطبوعاتی میان رهبران جبهه مشارکت و هیات موتلفه اسلامی در گرفت که دامنه آن حتی به دکتر ابراهیم یزدی رهبر سازمان نهضت آزادی ایران قدیمی‌ترین حزب ایران در دوران حاضر نیز رسید و دبیرکل هیات موتلفه اسلامی در اقدامی باورنکردنی حتی با وی نیز به این گفت‌وگوی مطبوعاتی نشست. در طول تاریخ ایران به جز تجربه حزب توده در سال‌های نخست تشکیل تجربه حضور احزابی مدرن و فراگیر به چشم نمی‌خورد. جبهه مشارکت اینک می‌رود تا ضمن فراگیری بیشتر خود را با مفاهیم مدرن حزبی نیز آشنا سازد و با اندوخته هزاران اشتباه تاکتیکی در دوران اصلاحات گفتمانی دموکراتیک و شفاف را در فضای سیاسی ایران رقم زند. ناظران و تحلیلگران سیاسی منتظر روزهای آینده نشسته‌اند تا از یک سو ببینند آیا این دیدارها در چارچوب احزاب درون حکومت باقی می‌ماند و یا دامنه آن به احزاب قانونگرا ولی خارج از حکومتی چون نهضت آزادی و جبهه ملی ایران نیز می‌رسد و از سوی دیگر این نکته که این دیدارها چگونه ادامه می‌یابد و چه نتایجی برای جنبش دموکراسی‌خواهی ایرانیان به بار می‌آورد. فارغ از هر نتیجه و تحلیلی آیندگان این دیدارها و این روزها را به یاد می‌آورند و در خاطر نگه خواهند داشت که جنبش دموکراسی‌خواهی ایران چگونه از پی شکست‌ها درس آموخت، خشونت را کناری گذارد، خردورزی پیشه کرد و ارمغان آزادی را برای آنان به بار آورد.

موتلفه: کمیته‌ای با مشارکت تشکیل نداده‌ایم

ایلنا: دبیرکل حزب موتلفه اسلامی گفت: حزب موتلفه اسلامی دایره ملاقات با احزاب داخل کشور را وسیع می‌داند و اگر نیاز باشد محدودیتی در این زمینه برای خود قائل نیست. «محمدنبی حبیبی» گفت: تعامل با احزاب کشور را ولو اختلاف هم داشته باشیم، به نفع کشور و نظام می‌دانیم و با همه احزاب و تشکل‌ها پیرامون مسائل کلی مرتبط با منافع ملی مذاکره خواهیم کرد. وی در عین حال تصریح کرد: «خبر مربوط به تشکیل کمیته مشترک بین حزب موتلفه اسلامی و مشارکت ایران اسلامی صحت ندارد و در این جلسه بحثی پیرامون تشکیل جبهه جدید مطرح نشد و ما چنین قصدی نداریم.»حبیبی با بیان اینکه «در ملاقات با جبهه مشارکت در خصوص مسائل خانه احزاب بحثی مطرح نشد» گفت: «معتقدیم خانه احزاب نمی‌تواند منحصراً در اختیار یک جناح قرار گیرد زیرا خانه احزاب باشگاهی برای همه احزاب و تشکل‌های داخل نظام است و نباید تنها به دست یک جناح اداره شود لذا فعالیت‌هایی پیرامون حل مشکلات خانه احزاب در حال انجام است.»

سخنرانی شکوری‌راد درباره ساختار قدرت

شرق: در ادامه سلسله جلسات «چه باید کرد؟» که از سوی حوزه شمال تهران جبهه مشارکت برگزار می‌شود، امروز و از ساعت ۱۷ و ۳۰ دقیقه، «علی شکوری‌راد» با موضوع «ساختار قدرت و چشم‌انداز آینده» در محل دفتر مرکزی این حزب سخنرانی دارد. از سوی دیگر، نشست سالانه مجمع عمومی حوزه شمال تهران در آستانه انتخابات این حوزه روز یکشنبه با حضور اعضا برگزار شد.

پیش‌کنگره جامعه اسلامی مهندسین

ایلنا: افتتاحیه کنگره جامعه اسلامی مهندسین با حضور یکی از روسای قوا یکم تیرماه برگزار می‌شود و در روز چهاردهم اردیبهشت نیز پیش کنگره جامعه با حضور مسئولان استانی جامعه جهت آمادگی بیشتر برای برگزاری کنگره اصلی برگزار خواهد شد. به گفته «غلامحسین امیری» دبیر تشکیلات این تشکل، برای برگزاری کنگره جامعه اسلامی مهندسین اعضای کمیته بررسی اساسنامه، کمیته پشتیبانی، کمیته تشکیلات و بررسی صلاحیت اعضا، کمیته تدوین برنامه دوساله، کمیته بررسی عملکرد جامعه و کمیته تدوین بیانیه پایانی کنگره انتخاب شده‌اند.

آگهی مزایده عمومی
نوبت اول
شهرداری اهواز در نظر دارد اجازه بهره برداری از محل نصب ۴ عدد تلویزیون شهری در سطح شهر اهواز را با مبلغ اولیه ۳۷۸/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریق مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط استانی واگذار نماید.
از شرکت ها و اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط دعوت به عمل می آید، جهت دریافت اسناد مزایده به نشانی: اهواز، خیابان انقلاب، نبش خیابان غزنوی، ساختمان شماره سه شهرداری، اداره قراردادها (تلفن تماس: ۳۷۷۴۰۶۲) مراجعه نمایند.
مهلت قبول پیشنهاد نرخ و پاسخ به مزایده، از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ده روز می باشد.
شهرداری در رد کلیه یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار می باشد.
هزینه انتشار این آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.
روابط عمومی و امور بین الملل شهرداری اهواز